

انقلاب اسلامی زمینه مساعدی برای رونق علوم انسانی فراهم کرد

محمد رضا آهنجیان گفت انقلاب اسلامی زمینه مساعدی را برای رونق علوم انسانی فراهم کرد. علوم انسانی وظیفه پشتیبانی از بینش تغییر یافته مردم نسبت به جهان را که حاصل انقلاب اسلامی بود برعهده گرفت. به گزارش خبرنگار مهر، اولین نشست از مجموعه نشست‌های بازخوانی تحلیلی چهار دهه علوم انسانی در ایران در پژوهشگاه علوم انسانی برگزار شد. محمدرضا آهنجیان، استاد علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد و مدیرکل برنامه‌ریزی آموزشی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری در این نشست به سخنرانی با موضوع «نقشه راه توسعه علوم انسانی» پرداخت.

محمدرضا آهنجیان در این نشست گفت آنچه به عنوان علوم انسانی گفته می‌شود، شامل آنچه در علوم سخت یا علوم پایه هست، نمی‌شود. در واقع علوم انسانی بخش وسیعی از دانش انسجام یافته را در برمی‌گیرد که در این ارائه مورد تأکید و توجه است. برنامه به عنوان یک نقشه عملیاتی رو به آینده تعریف می‌شود و گام‌های لازم برای تحقق هدف در این نقشه راه باید وجود داشته باشد. منظور از توسعه، رشد متوازن و همه‌جانبه ابعاد شکل دهنده به یک پدیده است. نقشه راه توسعه برنامه عملیاتی برای رشد یک پدیده است که در اینجا علوم انسانی فرض شده است.

افزایش نهادهای آموزش عالی متولی علوم انسانی به معنی توسعه علوم انسانی نیست

مدیرکل برنامه‌ریزی آموزشی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری تصریح کرد که دانشگاه به عنوان یکی از اصلی‌ترین نمادهای مدرن آموزش عالی است که نخستین تظاهر آن در کشور در تأسیس دانشگاه تهران بازیابی می‌شود. توسعه علوم انسانی بدون هم‌نوایی با بستر فرهنگی که از انتظامات متناسب آن برخوردار باشد، ممکن نیست. افزایش تعداد و گسترش انواع نهادهای آموزش عالی متولی علوم انسانی در کشور ما به معنی توسعه آن تلقی نمی‌شود.

وی با نگاهی کوتاه به چهل سال پیش از انقلاب (۱۳۱۷ تا ۱۳۵۷) گفت عنوانی که می‌توان برای نخستین چهل سالگی گذاشت، «علوم انسانی به مثابه کالا» است. شیء وارگی یا شباهت یافتن علوم انسانی به شیء و کالا را می‌توان به عنوان خلاصه نگاه به علوم انسانی در چهل سال نخست مشاهده کرد. به نظر می‌آید که در این دوره چشم انداز، آشنا شدن و پذیرفتن بوده که دانشگاه به عنوان یک نهاد مدرن وارد جامعه ایران می‌شود و علوم انسانی در دل دانشگاه این ارتباط را با جامعه ایرانی پیدا می‌کند. بیرون از نگاه آموزش عالی، سفرهای سه‌گانه ناصرالدین شاه به اروپا و در کنار ورود خودرو و سینما، یک سری کتاب هم وارد ایران شد که تقریباً سی سال پیش از آن، ترجمه آثار غربی در ایران در دوران معاصر همچون کتاب اقتصاد سیاسی از ژول ریشار از مهم‌ترین

آثار علوم انسانی روز غربی در آن دوران بوده است. آن طور که در این مطالعه متوجه شدیم هیچ عمد و قصدی در ورود علوم انسانی از غرب و برای ترجمه این کتاب وجود نداشته است.

ورود علوم انسانی به ایران بدون هیچ نقشه و برنامه معینی بوده است

آهنچیان افزود: برای اینکه علوم انسانی در این دوره و در درون نظام آموزش عالی با نقشه معینی مسیر توسعه اش فراهم شده باشد، نیز سندی در این خصوص در وزارت فرهنگ و علوم نیافته ام و در واقع اینکه سند معینی برای توسعه علوم انسانی وجود داشته باشد، مشاهده نمی شود. در خصوص اینکه کشور به چه رشته های علمی نیاز دارد نیز چیزی مشاهده نکرده ام. مهم ترین دلیل ورود رشته مدیریت آموزشی به ایران یک تصادف بوده است و نه چیزی بیش از آن. استادی در سال های ۵۲ یا ۵۳ به خارج از کشور اعزام می شود برای گرفتن مدرک و پس از اینکه به کشور باز می گردد، کتابی ترجمه و وارد بازار می شود و همزمان با آن در کمیته های انقلاب فرهنگی این رشته مطرح می شود و از سال ۱۳۶۲ جزو رشته های دانشگاهی شناخته می شود. طبیعتاً این نیاز وجود داشته ولی اینکه با مطالعه تشخیص داده شده باشد که چنین رشته ای مورد نیاز است و چند تن از افراد مستعد را برای تحصیل در این رشته به خارج از کشور اعزام کنیم را مشاهده نمی کنیم.

وی افزود: به هر حال مهم ترین راه ورود رشته های نو به کشور همین ترجمه ها است و اساتیدی که برای تحصیل به خارج از کشور رفته اند و سوغاتی آنها این بوده ما با برخی از رشته های علوم انسانی روز آشنا شویم. علوم انسانی در چهل سالگی نخست خود مواجه با توسعه دانشگاهها در کشور شده که باعث رواج این شاخه در کشور شده است. نتیجه ای که از دوره اول می توان گرفت این است که علوم انسانی چیزی فراتر از جسم یا شیء نبوده و این ایده به این معنی که از این بستر رشد کرده باشد، مشاهده نمی شود و از نیازی سرچشمه گرفته نشده و به نیاز معینی پاسخ نمی داده و نیازی را هم خلق نمی کرده است.

دومین چهل سالگی؛ علوم انسانی به مثابه ابزار

استاد دانشگاه فردوسی مشهد با اشاره به دومین چهل سالگی علوم انسانی در ایران گفت: در این دوره (۱۳۵۸ تا ۱۴۰۰) نگاه ابزاری به علوم انسانی به وجود آمده است. سه چشم انداز در اینجا در نظر گرفته می شود؛ یکی بسط آشنایی و مناقشه بر سر پذیرفتن علوم انسانی که به هر نحو وارد کشور می شد. دوم، بالا آمدن گفتمان سنت و تمدید تشدید نبرد سنت و مدرنیسم مخصوصاً از طریق علوم انسانی که وارد می شد، مشاهده می شود. سوم، نوزایی دینی به یک روایت و پس از آن معرفت افزایی مبتنی بر دین که به کمک علوم انسانی ممکن بود. شاید بتوان اصلی ترین چشم انداز که رفته رفته شکل گرفت را این سه مورد دانست.

انقلاب اسلامی زمینه مساعدی برای رونق علوم انسانی فراهم کرد

آهنچیان تصریح کرد: انقلاب اسلامی و تلاطم ناشی از آن زمینه مساعدی را فراهم کرد برای رونق علوم انسانی در کشور که تقریباً همه ما شاهد آن هستیم. علوم انسانی وظیفه پشتیبانی از بینش تغییر یافته مردم نسبت به جهان

که حاصل انقلاب اسلامی بود را بر عهده گرفت. جریان های فکری بعد از انقلاب برای ترویج خط فکری خود ابزار بسیار در دسترسی به نام علوم انسانی داشتند که هر کدام از نگاه ایدئولوژیک و با روایت و نظریه متفاوتی وارد این عرصه شده بودند. کالای علوم انسانی در مسیر موفقیت سیاسی به عنوان یک ابزار هویدا شد و کم کم این موضوع شکل گرفت. در دوره دوم، بسیاری از خطوط فکری مغلوب کنار گذاشته شد و خط فکری که معروف به خط فکری انقلاب اسلامی بود، بر علوم انسانی کنترل پیدا کرد و در نیمه دوم چهل سالگی یعنی از ۲۰ سال گذشته تا کنون بحث هم زمانی رقابت کنترل در کنار یکدیگر وجود دارد. حال آن خط های فکری ۱۳۵۰ که بیشتر متأثر از انقلاب ۱۷ اکتبر ۱۹۱۷ بود در کل جهان فروکش کرده بود و قاعدتاً این رقابت بین خط های فکری موازی با وجوه اشتراک بسیار زیاد صورت گرفته بود که ما در آن دوره هستیم.

وی با بیان اینکه در چهل سال دوم، در درون نظام آموزش عالی تغییرات ایجابی داشته ایم، ادامه داد، شکل گیری شورای انقلاب فرهنگی در سال ۶۳ یکی از پایدارترین تحولات در درون نهاد آموزش عالی بوده که اثرات بسیار زیادی در حوزه های بسیار فرهنگی از جمله آموزش عالی داشته است. تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی که نمی توانیم بگوییم مستقیماً برای توسعه علوم انسانی به وجود آمد ولی نمی توان تصور کرد که دانشگاه آزاد اسلامی در این زمینه نقش کم رنگی داشته است. دانشگاه آزاد به یک نحو آموزش عالی را در گوشه و کنار کشور رواج داد و این میل به آگاهی فزایی که پس از انقلاب اسلامی ایجاد شده بود، را تأمین کرد. توسعه دانشگاه پیام نور و گسترش نظام دانشگاهی از راه دور که بنیادش در علوم انسانی گذاشته شد و بعد به سمت علوم دیگر هم سوق یافت، تأسیس پژوهشگاهها و توسعه آنها با محوریت علوم انسانی که شامل ۱۸ پژوهشگاه وابسته به وزارت علوم می شود که ۸ تا از آنها با علوم انسانی مرتبط هستند، تأسیس دانشگاه های حوزه ای که در حال حاضر ۲۲ دانشگاه با این ویژگی داریم و همچنین شکل گیری دانشگاه های غیرانتفاعی از جمله عوامل دیگر توسعه علوم انسانی در کشور بوده اند.

علوم انسانی بعد از انقلاب همراه با نقشه راه بوده است

مدیر کل برنامه ریزی آموزشی وزارت علوم در پایان اظهار کرد: در نتیجه به نسبت چهل سالگی اول، نتیجه ای که از این دوره می گیریم، گسترش رشته ها و به تبع آن گسترش موسسات آموزش عالی و پژوهشی بوده است. علوم انسانی در این چهل ساله دوم علوم انسانی با نقشه راه بوده است، منتها این نقشه ثمره خود را هنوز ندیده است. نقش جامع علمی کشور که در دهه ۸۰ بالا آمد، یک نقشه راه بود که می توان گفت به نسبت چهل سال گذشته توجه بیشتری به آن شده است. در نظر گرفتن مختصات فیزیکی برای علوم انسانی و علوم انسانی با ابزار و صاحب یک روایت است. جریان رهبری کننده در این چهل سال وجود داشته ولی منابع پشتیبان علوم انسانی همچنان غیرقابل اعتماد هستند. فقدان ملاک سنجش اثربخشی همچنان وجود دارد و تلاش بسیاری در کشور

برای علوم انسانی می شود در حالی که سنجش اثربخشی آن بسیار دشوارتر از سایر علوم است. در مجموع باید در این چهل سال، علوم انسانی در پیوندجویی با جامعه ناموفق بوده است.

کد خبر ۴۴۰۷۰۰۰

مهرنوش محمدزاده - خبرگزاری مهر